

وظایف ضابطین دادگستری در جرائم مشهود و غیرمشهود در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با تکیه بر حقوق شهروندی)

امیر سلیمانی^۱، رضوان محمدی^۲، محمد اسماعیل شادروان^۲

چکیده

حقوق شهروندی از مسائل جامعه بین‌المللی است که در حال حاضر، در سراسر دنیا سیاست‌های متفاوتی برای اجرای آن توسط قوای حاکم بر جامعه اتخاذ می‌شود. رعایت و حفظ حقوق شهروندی از جمله وظایف حقوقی اجتماعی است که ضرورت تحقق آن در جمهوری اسلامی ایران به عهده قوه قضائیه نهاده شده است. بازوی قوه قضائیه در این مورد ویژه، ضابطان دادگستری هستند که در چارچوب‌های قانونی و اخلاقی، در جهت ارتقاء و حفظ اجرای عدالت در مورد حقوق شهروندی خدمت‌رسانی می‌کنند. یکی از وظایف ضابطین دادگستری در زمان وقوع جرائم مشهود و غیرمشهود، آشکار می‌شود. مطابق آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این موضوع پرداخته می‌شود که تا چه حد حقوق شهروندی در زمان وقوع جرائم مشهود و غیرمشهود توسط ضابطان دادگستری رعایت می‌شود. در مقاله حاضر، مشخص می‌شود که اولاً، حقوق بشر در ایران با جزئیات شرعی اجتماعی گسترده‌تری نسبت به اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل تعریف شده است و دوماً، شکایت از چنین مرجعی قابل پیگیری از طریق قوه قضائیه و دیگر مراجع تعیین شده است. وظایف قضایی دادگری در حمایت حقوق شهروندی رعایت حق حیات و عدم هتک حرمت ایشان، حفظ حق آزادی و حریم خصوصی افراد است. بطور کلی، حقوق شهروندی در طبقات حقوق؛ بنیادین، سیاسی، مدنی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شوند. برخی دیگر از این حقوق مربوط به اشخاص در زمانی است که افراد در مقام مجرم قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، ضابطان دادگستری، قوه قضائیه، عدالت کیفری

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک amir.soleimani.lawyer@gmail.com

^۲ دکتری حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک

مقدمه

حفظ کرامت و ارزش‌های والای انسانی، احترام به آزادی‌های مشروع، حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه عوامل دستگاه قضائی است. مطابق قانون نه تنها محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و اصول و موازین قضایی باشد، بلکه کشف، تعقیب جرائم، دستگیری مجرمین، تحقیق و رسیدگی به اتهامات آنها نیز باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی و بر مبنای ارتباط و تعامل صحیح، منطقی اجزا و عناصر فرآیند کیفری صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های غیرقانونی اجتناب شود. ضابطین قضایی نقش مهم و قابل توجهی در دستیابی به عدالت کیفری و نزدیک شدن هرچه بیشتر به نظام کیفری مطلوب و کارآمد دارند. بر مبنای همین واقعیت است که سیستم‌های کیفری مختلف تلاش‌های گسترده‌ای جهت نظام‌مندی و کنترل قانونی توأم با اقتدار آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین به تعیین جایگاه مصادیق و حدود اختیارات ضابطین پرداخته است چراکه در اغلب موارد زیربنای پرونده کیفری را اقدامات اولیه ضابطین عام قضایی (نیروی انتظامی) تشکیل می‌دهد حال یکی از اقدامات در خصوص جرائم مشهود (جرائمی که در مرئی و منظر ضابطین واقع می‌شوند یا بلافاصله پس از وقوع جرم ضابطین حضور یابند یا اسباب و دلائل جرم در تصرف متهم یافت می‌شود) است.

۷۸

لذا در قانون آئین دادرسی کیفری ایران، نه فقط در جرائم مشهود اختیارات وسیع‌تری برای ضابطان منظور شده است، بلکه ضابطان مکلف شده‌اند تا قبل از مداخله مقام تعقیب یا تحقیق، کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحاء آثار، فرار متهم و کلاً هرگونه تحقیقی یا اقدامی که ضروری باشد بعمل آورده و نتیجه تحقیقات خود را به اطلاع مقام تعقیب (برسانند)؛ حال چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد ضابطین می‌بایست موضوع اتهام را با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ نمایند و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند، مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. در این پژوهش، نگارنده بر آن است که یک رابطه منطقی و عدالت محوری در رابطه با حقوق شهروندی و ضابطان دادگستری مشخص کند. همچنین در این پژوهش تلاش شده است که به این پرسش اساسی پاسخ گوید که: وظایف ضابطین دادگستری در جرائم مشهود و غیرمشهود چیست؟

۱- تعریف حقوق شهروندی

حقوق شهروندی از ترکیب دو واژه «حقوق» و «شهروند» ایجاد شده است. در ادبیات فارسی، شهروند کسی است که اهل یک شهر یا یک کشور باشد و از حقوق در حقوق بین‌الملل شهروند، تنها به متعلق به آن

برخوردار باشد. فردی طبیعی که در واحد سیاسی حکومت، از حقوق کامل سیاسی و مدنی بهره‌مند باشد قابل اطلاق است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۸۰). یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این‌رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان بعنوان مهمترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است (شکری، ۱۳۸۶: ۸۰).

در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا بطور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود. هر کشوری دارای سیاست‌ها، مقررات و معیارهای خاص خود است که به شهروندی خود حق دارد. یک فرد می‌تواند در تعدادی از مکان‌ها شهروند شناخته شود یا به آن اعطا شود. معمولاً شهروندی بر مبنای محل تولد است، اما در موارد دیگر ممکن است به طرق دیگری منتسب شود. مفهوم لغوی؛ واژه حق ۷۹ در لغت، دارای معانی متعددی است؛ معانی «مطابقت»، واژه حق «موافقت»، «موجود ثابت»، «صدق» و «خاف لایق و باطل» از آن جمله است. این واژه را لغت در ادب پارسی، به معنای درست، راست سزا، سزاوار و عدل آمده است. نامه‌ها به معنای «امتیاز» آورده‌اند که جمع آن را «حقوق» می‌نامند و می‌گویند: امتیاز، عبارت است از: تبلور عنصر یا عناصری از توانایی بهره‌گیری فرد یا جمعیتی از آن چیزی که سزاوار آن است. معنای حق در اصطلاح حقوقدانان؛ حق، امتیاز و نفعی است متعلق به شخص، که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می‌کند، به او توان تصرف در موضوع حق منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد (رستمی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

یک شهروند تا زمانی که جرم مشهودی را مرتکب نشده است دارای حقوق اولیه‌ای همچون آزادی شغلی، رای دادن، آموزش و تعلیم دیدن و ... است. اما زمانی که این شهروند به متهم کیفری تبدیل شد، نقش ضابطان دادگستری در حقوق وی پر رنگ می‌شود و می‌بایست شرایط بگونه‌ای باشد که نه ایشان به حقوق ضابطان مشخص خدشه وارد کند و نه بالعکس.

در مورد حقوق اولیه شهروندی می‌توان به اعلامیه حقوق شهروندی سازمان ملل و همچنین قانون اساسی کشور جمهوری اسلامی ایران اتکا کرد و البته در اکثر موارد این حقوق یکسان تعریف شده‌اند (بجز مواردی

که در ایران، شرع ارجعیت مشخصی در تعیین قوانین دارد). در جدول ۱، تطبیق مواد حقوق شهروندی سازمان ملل با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود. این مواد و اصول نسبت به سایر موارد با یکدیگر از نظر تطبیقی سنخیت بیشتری داشتند. در مابقی موارد، یا بطور کل در منبع دیگری ذکر نشده است، مانند اصل ۲۱ قانون اساسی که بیان می‌کند:

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

همچنین برطبق ماده ۴، حق کودکان است که صرف‌نظر از جنسیت بطور خاص از هرگونه تبعیض، آزار و بهره‌کشی مصون و از حمایت‌های اجتماعی متناسب از جمله در حوزه سلامت، مراقبت در مقابل بیماری‌های روحی، روانی و جسمانی و خدمات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند. در نهایت، طبق ماده ۵ حقوق شهروندی ایران حق توان‌خواهان (شهروندان دارای معلولیت) و سالمندان نیازمند است که از امکانات درمانی و توان‌بخشی برای بهبودی و یا توانمند شدن در جهت زندگی مستقل و مشارکت در که جنبه‌های زندگی بهره‌مند شوند. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ ماده‌ای بطور ویژه در مورد حقوق زنان ارائه نشده است مگر در مواردی که آنها را مساوی با حقوق مردان می‌داند. برای معلولین هیچ ماده‌ای در نظر گرفته نشده است.

۸۰

حقوق شهروندی جدید، دارای دو ویژگی بارز است که آن را از سایر مفاهیم حقوق جدا می‌سازد: نخست؛ حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به شمار می‌آید. این استقلال بدین مفهوم است که باید با نگاهی خاص این علم را تعریف نمود. اگر حقوق شهروندی مدرن از حقوق بشر جداست، پس مفاهیم، اهداف و بنیان‌های آن نیز باید جداگانه بررسی شود و کارکردهای آن نیز در این حالت متفاوت خواهد بود. ارتباط این رشته با حقوق بشر و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی مربوط به شهروندی، لزوماً به معنی عدم استقلال آن نخواهد بود چراکه تقریباً تمام رشته‌های علوم انسانی با هم در ارتباط‌اند. دوم؛ حقوق شهروندی مدرن، بر روابط شهرنشینان با هم دیگر و رابطه ایشان با ارگان‌های به مفهوم عام «حقوق شهروندی» دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از به شمار آورد (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۸) کانت، صفات زیر را ذاتی و تفکیک‌ناپذیر یک شهروند، محسوب می‌نماید:

- ۱) اختیار قانونی؛ شهروند از هیچ قانونی اطاعت نمی‌کند، مگر قانونی که خود با آن موافقت کرده است.
- ۲) تساوی مدنی؛ به معنی اینکه، شهروند با دیگران در وضعیت مساوی قرار دارد و هر تجدیدی نسبت به حقوق او همانند دیگران است و هیچ تبعیض روا داشته نمی‌شود.
- ۳) استقلال مدنی؛ هستی و بقای شهروند در یک جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست، بلکه نتیجه حقوق و استعدادهای خاص خود او بعنوان عضو جامعه مشترک‌المنافع است (همان، ۱۹).

یک جامعه سالم برای تامین امنیت خود به نیرویی نیازمند است که توسط آن آرامش و نظم عمومی تضمین شود. در جامعه کنونی و با افزایش روزافزون جمعیت، بخش اعظمی از این وظیفه برعهده پلیس و سایر بخش‌ها در کنار پلیس بر دوش ضابطانی نهاده شده است که مجموعاً آنها را ضابطان دادگستری می‌دانیم. حال این ضابطان دادگستری برای حفظ امنیت در جامعه نیازمند اختیارات و آزادی‌هایی هستند که آنها را از سایرین ممتاز نگه می‌دارد. از طرف دیگر، می‌دانیم که هر فرد در جامعه بعنوان یک شهروند دارای حقوقی است که هیچکس حق پایمال کردن آنها را ندارد. خواه متخاصم ضابط دادگستری باشد و خواه سایر شهروندان. عدم رعایت و حفظ حقوق شهروندی توسط ضابطین دقیقاً متضاد با هدف ایجاد و بکارگیری ضابطین در جامعه است و منجر به سلب اعتماد، بدبینی جامعه نسبت به مسئولیت‌تأمین‌کننده امنیت و عدم برقرار نظم در جامعه می‌شود. می‌توان به بیان دیگر گفت که هرچه تکالیف و وظایف ضابطین دادگستری برای حفظ حقوق شهروندی در سطح عالی‌تر و گسترده‌تری رعایت شود آنگاه شاهد جامعه‌ای امن‌تر خواهیم بود.

جدول (۱) تطبیق مواد حقوق شهروندی سازمان ملل با اصول قانون اساسی ج.ا.ایران

شماره ماده	متن حقوق شهروندی سازمان ملل	شماره اصل	متن قانون اساسی
۱	تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.	۱۶	مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.
۲	هر کس می‌تواند بدون هیچگونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد و ...، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد.	۱۶	همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
۱۶	هر زن و مرد بالغی حق دارد بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کند و تشکیل خانواده دهند.	۱۷	قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
۲۰	۱ - هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد. ۲ - هیچکس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.	۲۲	احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت
۲۶	هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد.	۲۶	دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.	۳۴	احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.	۵
تک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.	۳۵	احدی نمی‌تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید بشود.	۹

۲- مصادیق جرم مشهود در قانون آئین دادرسی کیفری

با وجود اینکه در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحولاتی در خصوص جرائم مشهود وجود دارد، ولیکن مصادیق جرم مشهود در قانون جدید آئین دادرسی کیفری هم می‌تواند حقوقی و هم فقهی باشد. مصادیق حقوقی جرم مشهود قانون سابق آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ است که همانند قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ جرم مشهود را پذیرفته و مورد اعمال قرار داده است و مبنای دیگر آن، همانطور که بیان شد قواعد فقهی در خصوص جرم مشهود، با عنوان تظاهر و تجاهر در فقه است که مورد استناد قرار گرفته است. با این وجود مصادیق جرم مشهود در علنی بودن جرم و تسریع در پیشگیری و کشف جرم است. که در قانون آئین دادرسی کیفری مورد توجه مقنن بوده است.

۸۲

در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ نه فقط در جرائم مشهود اختیارات وسیع‌تری برای ضابطان دادگستری منظور شده است، بلکه ضابطان مکلف شده‌اند تا قبل از مداخله مقام تعقیب یا تحقیق، کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم، فرار متهم، و کلاه هرگونه تحقیق یا اقدامی که ضروری باشد به عمل آورده، نتیجه تحقیقات خود را به اطلاع مقام تعقیب اعم از رئیس حوزه قضایی و یا دادستان برسانند. ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب در امور کیفری مصادیق جرم مشهود را احصاء کرده است.

ماده ۲۳ قانون اصول محاکمات جزایی در پنج بند مصادیق جرم مشهود را احصاء کرده بود اما تعریفی از آن ارائه نداده بود. ماده ۲۱ ق.آ.د.ک نیز از همین روش تبعیت کرده است و به جای تعریف، مصادیق جرم مشهود را بیان کرده است. ماده ۲۱، تکرار ماده ۲۳ قانون اصول محاکمات جزایی (قانون سابق) است. فقط بنده ماده ۲۱ فعلی در قانون سابق وجود نداشت و در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اضافه شده. جرم مشهود جرمی است که وقوع یا اثر آن مورد مشاهده ضابطان دادگستری قرار گیرد که این خصوصیت در بندهای پنجم و ششم وجود ندارد. ولگردی جزء جرائم اعتیادی است که برای تحقیق آن، استمرار عمل و چند مرتبه انجام آن شرط است. در بند دوم معرفی مرتکب جرم توسط دو نفر یا بیشتر، توجیه خاصی ندارد بلکه اگر یک نفر هم که ناظر وقوع جرم بوده است مرتکب جرم را معرفی کند، می‌تواند از مصادیق جرم

مشهود باشد. همچنین در تمامی بندها، اعلام جرم از سوی مرتکب جرم در صورتی که بلافاصله پس از وقوع جرم بوده و آثار آن مشهود باشد، از موارد جرم مشهود اعلام نشده است که چنین موردی به مراتب از مصادیق ذکر شده، قوی‌تر است. بنظر می‌رسد چنانچه جرمی در مرئی و منظر مقام قضائی نیز رخ دهد جرم مشهود به حساب می‌آید. چنانچه در مشهود بودن و یا غیرمشهود بودن جرم، میان متهم و ضابط، اختلاف نظر باشد، دادگاه می‌تواند برابر قواعد عمومی دادرسی پی به واقعیت ببرد و گزارش ضابط در این مورد به تنهایی نمی‌تواند دلیل بر اثبات ادعا باشد، اگرچه متهم در مقامی نیست که نظرش ملاک بررسی باشد و اعلام موضوع از صلاحیت ضابط است نه متهم. مقصود از صاحب‌خانه در بند پنجم ساکن خانه یا مالک آن است که مجوز تقاضای ورود مأمورین را به خانه خود دارد. و همچنین بند چهارم قصد فرار مرتکب را یکی از نشانه‌های جرم مشهود اعلام کرده است اما توجیه مناسبی برای آن وجود ندارد زیرا قصد فرار که پس از ارتکاب جرم، حاصل می‌شود تأثیری در مشهود بودن و یا غیرمشهود بودن جرائم ندارد. مصادیق جرم مشهود در آئین دادرسی کیفری ایران مشخص شده است هر چند قانونگذار تعریفی از جرم مشهود ارائه نداده است. با توجه به طرز انشاء قانون معلوم می‌شود که مقنن ایران معتقد به دو قسم جرم مشهود واقعی (موضوعی) و جرم مشهود فرضی (حکمی) است. جرم مشهود واقعی جرمی است که عمل مجرمانه در حضور مأمور کشف جرم و یا در حضور یک دسته جماعت واقع می‌شود یا بلافاصله پس از وقوع جرم، خود مجرم مورد مشاهده مأمور دولت^{۸۳} قرار می‌گیرد یا آثار جرم مورد ملاحظه واقع می‌شود. این قسم جرم مشهود مبتنی بر شهادت مأمورین دولت یا شهادت عینی اشخاص عادی است. اما جرم مشهود فرضی عملی است که در حقیقت مشهود نیست ولی قانونگذار بعلت وضعیت خاص وقوع، آن را مشهود تلقی می‌کند، احراز جرم در این قبیل موارد به کمک دلایل و نشانه‌های عقلی که امکان مجرم بودن فرد را متصور می‌سازد، صورت می‌گیرد. این قبیل موارد عبارتند از: وقتی کسی بلافاصله پس از وقوع جرم، بزه دیده شخصی یا اشخاصی را مرتکب معرفی کند، پیدا شدن علائم و آثار واضح جرم اسباب و دلایل و جرم در تصرف متهم و در زمانی نزدیک به وقوع، احراز تعلق اسباب و دلایل جرم به متهم، قرینه فرار، ولگرد بودن متهم و درخواست صاحب‌خانه و اقدامات مأمورین نیروی انتظامی در جرائم مشهود عبارتند از:

- قبول شکایات و اعلانات؛
- انجام معاینات محلی (بررسی صحنه جرم)؛
- استماع گواهی مطلعین در محل (تحقیقات محلی) یا در اداره (بازجویی از شهود)؛
- بازرسی‌ها (بازرس بدنی، وسایل نقلیه و منزل با رعایت شرایط قانونی)؛
- ضبط و توقیف دلایل دستگیر و بازداشت حداکثر ۲۴ ساعته متهمان؛

- بازجویی از متهمان؛

- تنظیم و ارائه گزارش به مقام قضائی صالح، جلوگیری از امحاء دلایل؛

- اعلام جنایت و جرائم در اسرع وقت به مرجع قضایی.

در سیستم دادسرا گزارش مأموران و ضابطان باید به دادستان با معاون وی و در صورت عدم حضور آنان به دادیار اعلام شود و در سیستم دادگاه‌های عمومی مثل دادگاه بخش، به رئیس حوزه قضائی اطلاع داده می‌شوند. در بند ۱ ماده ۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸، مرئی و منظر بر وزن مفعول و اسم مکان در زبان عربی است که در اینجا به معنای در برابر چشمان، در نظرگاه، در معرض دید، تماشاگاه است. می‌توان گفت این بند به آن دسته از جرائمی اشاره دارد، که در فقه نیز مصداق تجاهر و ارتکاب علنی معرفی شده‌اند. اما همانگونه که سهولت از دیگر بندهای این ماده می‌توان فهمید، قانون، برخی از انواع جرائم را ذاتا مشهود نیستند، اما تحت شرایط خاصی ارتکاب یافته‌اند مشهود محسوب نموده است بگونه‌ای که می‌توان حالاتی را تصور نمود که جرم متظاهرا واقع نشده است و اتفاقا مجرم سعی در ارتکاب پنهانی جرم نیز داشته است، اما به موجب این ماده قانونی عمل ارتكابی وی جرم مشهود محسوب می‌گردد. عده‌ای از حقوقدانان معتقدند جرم مشهود همانگونه که از نام‌اش پیداست جرمی است، که وقوع یا اثر آن مورد مشاهده ضابطان دادگستری، قرار گیرد و این خصوصیت تنها در بندهای اول تا چهارم وجود دارد. حتی برخی از اساتید چنین چیزی را برخلاف اصول جزایی دانسته‌اند، عده دیگری از حقوقدانان نیز اعتقاد دارند، در واقع همان جرائمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری صورت گرفته باشند مشهود بوده و بقیه موارد نزدیک به مشهود یا در حکم مشهود می‌باشند. به عبارت دیگر با مرادی که از جرم مشهود در قانون نامبرده شده است، نمی‌توانید تعریف جامعی از جرم مشهود به دست آورد، زیرا دامنه وسیعی را در بر می‌گیرد، در واقع جرم مشهود به مفهوم واقعی همان موردی است که در مرئی و منظر مامورین یا قاضی یا تعدادی ناظر صورت می‌گیرد و بلافاصله اعلام کنند و بقیه موارد «قریب مشهود هستند».

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صراحتا تعریفی از جرم مشهود ارائه نشده است و تنها می‌توان از مصادیق جرم مشهود بهره برد. از این‌رو، به بررسی مصادیق جرم مشهود پرداخته می‌شود. مصادیق جرم مشهود در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در ماده ۴۵ قانون فوق‌الذکر آورده شده است. برخی از این مصادیق نسب به آئین دادرسی سابق متفاوت و برخی مشابه است. حال، با بررسی یک سوال این مصادیق را بررسی می‌کنیم. در صورتی که مامور انتظامی برای ابلاغ به محله‌ای برود و در آنجا شاهد یک جرم مشهود باشد براساس قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ آیا مأمور مکلف به دخالت است؟ باتوجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ / ۱۲ / ۰۴ و پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون باتوجه به نص ماده ۱۷۲ قانون مذکور که حتی برای ابلاغ می‌بایست بدون لباس رسمی حاضر شوند و همچنین درخصوص ضابطین باتوجه

به شرایط مقرر در ماده ۳۰ که به صرف اینکه فردی مأمور نیروی انتظامی باشد، نمی‌تواند واجد عنوان ضابط باشد و برای احراز این عنوان می‌بایست آموزش‌های لازم را دیده باشد و همچنین با عنایت به اینکه در ماده ۱۷۶ همان قانون اعلام نموده که قوه قضائیه می‌تواند ابلاغ را به بخش خصوصی واگذار نماید، استنباط می‌شود که در آن قانون مأمور ابلاغ نمی‌تواند بعنوان ضابط در جرم مشهود مداخله نماید مگر اینکه در شرایط تبصره ۱ ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری که اعلام نموده تمام شهروندان باتوجه به شرایط مندرج در آن نمی‌توانند اقداماتی را در جهت جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورد.

۳- وظایف ضابطین در قبال جرائم غیرمشهود

جرم غیرمشهود، جرمی است که مدت زمانی است که به ارتکاب رسیده و به دست آوردن دلایل آن غیرممکن و یا غیرمسلّم است و این تقسیم‌بندی در ماده ۴۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به وجود آمده است. در جرائم غیرمشهود، حق دستگیری یا ورود خودسرانه به منازل افراد از پلیس سلب شده و ضابط مکلف است اقدامات لازم در جهت ایفای وظایف را با اجازه و تحت نظارت مقام قضایی انجام دهد و به صراحت در صورتی که جرم غیرمشهود باشد و مقام قضایی دستور تکمیل را صادر کرده باشد باز هم حق دستگیری افراد را ندارد هرچند اجرای تحقیقات از سوی مقام قضایی بطور کلی به ضابط ارجاع شده باشد. در واقع در مرحله کشف جرم غیرمشهود، حقوق و آزادی‌های فردی متهم در برابر مأموران انتظامی از مصونیت کامل برخوردار است. دستگیری، توقیف بازرسی بدنی و منزل و بطور کلی هر نوع اقدام محدود کننده آزادی متهم از سوی مأموران انتظامی، مشروط به وجود ضوابط قانونی و اخذ دستور کتبی مقام قضایی است (امیدی، ۱۳۹۶: ۹۱). ماده ۴۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌کند که ضابطان دادگستری اختیار أخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند أخذ تأمین را به آنان محول کنند و در هر صورت هرگاه أخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود. ماده ۴۲ قانون جدید مقرر می‌دارد که بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. در ماده ۴۳ این قانون آمده است: هرگاه فرائض و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان باتوجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند. طبق ماده ۴۴، ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و أخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام

می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را أخذ و در پرونده درج می‌کنند (موسوی و آخوندی، ۱۳۹۳: ۴۳).

نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی از جمله پارادایم‌هایی است که هم در سطح جهانی و سازمان بین‌الملل تعریف شده است و هم از مسائل تعریف شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. از آنجائیکه قوانین هر مرز و بومی مرتبط با فرهنگ، دین، شرایط جنگ و صلح، نیاز جامعه و ... طراحی می‌شود، لازم است تا بطور ویژه در مورد مسائل حقوقی این مهم نیز در پژوهش‌های مختلف پرداخته شود. از طرف دیگر، برای حفظ امنیت انسانی و همچنین تضمین اجرای عدالت در جامعه، ضابطان دادگستری در دو سطح عام، بطور ویژه منظور نیروهای انتظامی و خاص، سایر نیروهای انسانی مسئول حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها در کشور مانند نیروهای بسیج و ... صورت می‌گیرد.

در این مقاله، وظیفه ضابطان دادگستری و رعایت حقوق شهروندی مشخص گردیده است. برای آنکه بتوان چنین وظایفی را در حد و حدود مشخص تعیین نمود، ابتدا در مورد حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران با حقوق شهروندی مشخص در اعلامیه جهانی حقوق بشر یک مطالعه تطبیقی اجمالی ارائه شده است تا نقاط قوت ضعف هر کدام تعیین گردد و سپس تکالیف ضابطان دادگستری در مورد جرائم مشهود و غیرمشهود تشریح شده است.

بطور کلی، آنچه که از انجام این پژوهش بطور خلاصه قابل ارائه است به شرح ذیل می‌باشد:

- حقوق شهروندی در ایران به شکل عام و خاص و همچنین برای متهمان تعریف شده است؛
- اصلی‌ترین حافظ اجرا و حفظ حقوق شهروندی در ایران ضابطان دادگستری هستند که در دو سطح عام و خاص خدمت‌رسانی می‌کنند؛

- در مجموع، حقوق شهروندی قانون اساسی ایران در کنار منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده توسط قوه مجریه با جزئیات و گسترش بیشتری نسبت به اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل ارائه شده است و در مورد کودکان، زنان و معلولان نیز حقوق تعیین شده‌ای دارد؛
- شهروندان در برابر ضابطان دادگستری و همچنین دیگر شهروندان دارای مسئولیت هستند.

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، **آئین دادرسی کیفری**، چ ۶، ج ۱۴، تهران: انتشارات دادگستر.
- ۲- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، **آئین دادرسی کیفری**، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- امیدی، رسول (۱۳۹۶)، «بررسی معدوم نمودن و اخفای آثار و ادله جرم در قانون مجازات و قانون آئین دادرسی کیفری جدید»، **فصلنامه مطالعات حقوق**، ش ۱۴.
- ۴- جانی پور، حسنی (۱۳۹۵)، «نقش پلیس در برخورد با جرائم مشهود»، **فصلنامه دانش انتظامی البرز**، س ۴، ش ۱۲.
- ۵- خالقی، علی (۱۳۸۸)، **آئین دادرسی کیفری**، چ ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش.
- ۶- رادمنش، منصور و زرخ، اشکان (۱۳۹۱)، «نگرشی در ضابطان دادگستری»، **شبکه اجتماعی حقوقدانان**.
- ۷- رستمی، ثریا (۱۳۹۲)، «حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع»، **پژوهشنامه فقه اسلامی و مبنای حقوق**، س ۱، ش ۱.
- ۸- شکری، نادر (۱۳۸۶)، **نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی**، تهران: شهرداری تهران و دانشکده مدیریت.
- ۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، **مبنای حقوق عمومی**، تهران: نشر میزان.
- ۱۰- کاظمی نجف‌آبادی، زهرا و نقوی، مهدی (۱۳۸۹)، «تدابیر قانونی و عملی پیشگیری از خطای قاضی»، **فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق**.
- ۱۱- کریمی، علیرضا و صالحی، محمدخلیل (۱۳۹۴)، «اهمیت تعیین عنوان مجرمانه در فرایند دادرسی»، **فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق**.
- ۱۲- محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹)، «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، س ۸، ش ۶۱.
- ۱۳- موسوی، احمد و آخوندی، محمود (۱۳۹۳)، «بازرسی بدنی؛ اصول و قواعد حاکم بر آن»، **فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا**.

قوانین آئین‌نامه‌ها:

- ۱۴- آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- ۱۵- آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸.
- ۱۶- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.